



RS

## جنگ غیر قانونی آمریکا در یمن

ایالات متحده آمریکا جنگی غیر قانونی را در یمن دنبال می‌کند. به‌رغم فهم گسترده در آمریکا در این خصوص که عملیات ارتش آمریکا در یمن قوانین آمریکا را نقض می‌کند، اما مقامات آمریکایی همچنان اصرار دارند که باید به کمپین نظامی‌شان در یمن ادامه دهند. آنها معتقدند لازم است که هزینه‌های کشتیرانی را از طریق خاورمیانه کاهش دهند. ژنرال مایکل کوریل، فرمانده ستاد مرکزی ارتش آمریکا در هفتم ماه مارس در جلسه استماع سنا در پاسخ به موضوع حضور گسترده ارتش آمریکا در دریای سرخ گفته بود: «اقتصاد آمریکا به باز بودن مسیرهای دریایی وابسته است. براساس استراتژی امنیت ملی آمریکا، ما به هیچ کشور و یا بازیگر غیردولتی اجازه نخواهیم داد که آزادی کشتیرانی را در تنگه هرمز، تنگه باب‌المندب و کانال سوئز مختل کند.» از یازدهم ژانویه تاکنون، ایالات متحده آمریکا حملات هوایی و دیگر عملیات‌های نظامی را در یمن به اجرا گذاشته است. ارتش آمریکا نیروهای حوثی را که حملات موشکی را علیه کشتی‌های تجاری در دریای سرخ، باب‌المندب و خلیج عدن انجام می‌دهند، مورد حمله قرار داده است. ماه‌هاست که حملات حوثی‌ها خطوط کشتیرانی تجاری در آن منطقه را مختل کرده است. حوثی‌ها اصرار دارند که آنها حملات خود را تا زمانی که اسرائیل به کمپین نظامی‌اش در غزه پایان دهد، ادامه خواهند داد. اگرچه حملات حوثی‌ها تلفاتی به بار آورده است اما مهمترین نگرانی واشنگتن این بوده که این حملات چه تبعاتی برای اقتصاد جهان به دنبال خواهد داشت. همانطور که مقامات آمریکایی بارها اعلام کرده‌اند حدود ۱۵ درصد از جریان تجارت جهانی از دریای سرخ عبور می‌کند و حدود ۱۲ درصد از نفت جهان نیز از این مسیر صادر می‌شود. آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا اوایل سال جاری میلادی گفته بود: «دلیل اهمیت این آبراه این است که ۱۵ درصد ترافیک تجاری به صورت روزانه از این مسیر عبور می‌کند و این یعنی ۳۰ درصد کانتینرهای تجاری جهان.» یکی از مهمترین نگرانی‌های مقامات آمریکایی تنگه باب‌المندب است: تنگه‌های باریک در جنوب غربی یمن که دریای سرخ را به خلیج عدن متصل می‌کند. تقریباً ۸ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه نفت از این تنگه به صورت روزانه عبور می‌کند و موجب شده این تنگه به یکی از استراتژیک‌ترین تنگه‌های جهان تبدیل شود. اگرچه کاخ سفید اعلام کرده که پرزیدنت بایدن اختیار قانونی برای عملیات نظامی علیه حوثی‌ها را دارد اما چندین عضو کنگره آمریکا این ادعا را رد می‌کنند. در ماه فوریه و در جلسه استماع مجلس سنا، چندین سناتور آمریکایی توجهات را به سمت مفاد قدرت جنگ قانون اساسی جلب کردند که می‌گوید رئیس‌جمهوری آمریکا نمی‌تواند بیش از ۶۰ روز یک جنگ را بدون جلب موافقت کنگره ادامه دهد. البته کنگره نیز نتوانسته است جلوی کاخ سفید را بگیرد خصوصاً اینکه از این ۶۰ روز بسیار گذشته است. دوازدهم مارس، یعنی روزی که این ۶۰ روز به سر می‌آید و کاخ سفید می‌بایست کمپین نظامی خود را در یمن متوقف می‌کرد فراسیده و گذشت و صدایی از کسی درنیامد. کاخ سفید و کنگره همچنان جنگی غیر قانونی را در یمن ادامه می‌دهند اما واقعیت این است که گزینه‌های جایگزینی برای حل بحران در دریای سرخ وجود دارد. همانطور که برخی از مقامات آمریکایی اعلام کرده‌اند، احتمالاً بهترین راه حل برای پایان دادن به بحران در دریای سرخ، دستیابی به توافق آتش‌بس در غزه است. به هر حال، حوثی‌ها همچنان اصرار دارند که حملات‌شان را تا زمانی که جنگ غزه پایان یابد، ادامه دهند. تیموتی لاینرکینگ، نماینده ویژه آمریکا در امور یمن می‌گوید بسیار مایل است که شاهد آتش‌بسی در غزه باشد. او می‌گوید: «من واقعاً باور دارم که با آتش‌بس در غزه ما این فرصت را به‌دست می‌آوریم تا برخی بحران‌های دیگر را نیز حل کنیم و بحران دریای سرخ یکی از آنهاست. ما باید از این فرصت استفاده کنیم.» در غیاب آتش‌بس در غزه، همچنان این امکان وجود دارد که کشتی‌های تجاری، خاورمیانه را دور بزنند. اطلاعات صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که جریان عبور کشتی‌های تجاری به سمت آفریقا گرایش پیدا کرده است. اما دولت آمریکا در مقابل هر دو رویکرد می‌ایستد: نه به دنبال آتش‌بس در غزه است و نه اجازه می‌دهد که کشتی‌های تجاری مسیرهای جایگزین را انتخاب کرده و از مسیرهایی که آفریقا را دور می‌زنند، استفاده کنند.



آرمین منتظری

دبیر گروه بین‌الملل و دیپلماسی

نیروهای ارتش اسرائیل هشت ماه است که در وضعیت جنگی در غزه به سر می‌برند. با این حال به نظر می‌رسد که ادراک تهدید اسرائیل نسبت به حزب‌الله لبنان که در شمال اسرائیل موضع گرفته، نسبت به گذشته بیشتر شده است. در حال حاضر حزب‌الله لبنان به یک چالش امنیتی برای اسرائیل تبدیل شده است. در تاریخ ۱۸ ژوئن، حزب‌الله لبنان فیلمی ۱۰ دقیقه‌ای که توسط یک پهپاد در نور روز ضبط شده بود منتشر کرد. این پهپاد از مناطق مشرف به حیفا در عمق اسرائیل فیلم‌برداری کرده بود. در این ویدئو، مناطق مسکونی و تجاری در نزدیکی این شهر بندری، یک مجتمع نظامی متعلق به شرکت رافائل، تولیدکننده اسرائیلی تسلیحات و همچنین موقعیت باتری‌های گنبد آهنین، سایت‌های راداری و زرادخانه‌های موشکی اسرائیل، کشتی‌های نظامی و تجاری و انبارهای ذخیره نفت، به وضوح دیده می‌شود. درست در همان روز، ارتش اسرائیل طرح‌های عملیاتی برای حمله به لبنان را تأیید کرد. اسرائیل کاتر، وزیر امور خارجه اسرائیل پس از انتشار تصاویر پهپادی توسط حزب‌الله گفت که اسرائیل به تصمیمی برای «تغییر قوانین بازی علیه حزب‌الله و لبنان» بسیار نزدیک است. اگر جنگی بین اسرائیل و حزب‌الله در بگیرد، باید گفت که این جنگ بسیار بزرگتر و طولانی‌تر از آن چیزی است که نیروهای دفاعی اسرائیل در غزه و علیه حماس با آن روبه‌رو هستند. اگر چنین جنگی در بگیرد، ممکن است گروه‌های مقاومت در سوریه و عراق نیز علیه اسرائیل دست به حمله بزنند و در نتیجه گستره نبرد به‌طور قابل توجهی افزایش پیدا می‌کند. مهمتر از همه اینکه، در صورت وقوع این جنگ، ممکن است پای ایران نیز به نبرد باز شود. ایران ممکن است احساس کند که این جنگ فرصتی باشد تا ایران نفوذ نزدیک‌تری در مدیترانه به‌دست آورد. با اینکه به این نتیجه برسد که چنانچه اسرائیل در این جنگ دست‌ورزی به دست آورد، ممکن است شبکه مقاومت در منطقه را با تهدید موجودیتی مواجه کند.

حزب‌الله و اسرائیل ماه‌هاست که در وضعیت رویارویی مسلحانه به سر می‌برند و ضرباتی را به یکدیگر وارد کرده‌اند. حملات هوایی ارتش اسرائیل منجر به ترور برخی از فرماندهان ارشد حزب‌الله لبنان شده است و حملات متقابل امن‌سازنده حزب‌الله لبنان منجر به تخلیه بی‌سابقه مناطق مرزی شد که ده‌ها هزار اسرائیلی آن را خانه خود می‌دانند. در هفته‌های اخیر، موشک‌های حزب‌الله باعث آتش‌سوزی در مناطق وسیعی از شمال اسرائیل شده است. فشار نظامی و دیپلماتیک اسرائیل نتوانسته حزب‌الله را وادار کند که نیروهای خود را از شمال رودخانه لیتانی، در حدود ۳۰ کیلومتری (۱۹ مایلی) از مرز خارج کند. بنابراین، به نظر می‌رسد که اسرائیل به سمت یک لشکرکشی بزرگ حرکت می‌کند.

اسرائیل تمایلی به آغاز درگیری بزرگ با حزب‌الله ندارد، چراکه ارتش اسرائیل همچنان در حال مبارزه برای سرنگونی حماس در غزه است. در غزه تعداد بسیار بالایی

## کابوس جنگ است

## در صورت وقوع این درگیری، کل منطقه شامان

با گسترش درگیری میان حزب‌الله و اسرائیل، می‌توان انتظار داشت که گروه‌های شیعه مورد حمایت ایران در عراق نیز به این جنگ پیوندند، به‌ویژه اگر حزب‌الله در این جنگ با تهدید موجودیتی روبه‌رو شود. ایجاد این موقعیت تثبیت شده برای تهران در منطقه حاصل چندین دهه تلاش است و ایران برای ایجاد چنین موقعیتی هزینه اقتصادی زیادی را متحمل شده است

کشته‌شدگان غیرنظامی و وضعیت گروگان‌ها ارتش اسرائیل را با مشکلات داخلی و بین‌المللی زیادی روبه‌رو کرده است. حزب‌الله نیز به همین ترتیب در خصوص ورود جنگ همه‌جانبه با اسرائیل مردد است. فروپاشی اقتصادی و بحران سیاسی که می‌تواند در پی این جنگ برای لبنان به وجود بیاید، موجب شده که حزب‌الله در داخل بسیار محتاط عمل کند. در عین حال حمایت حزب‌الله از فشار اسد موجب شده که منابع حزب‌الله بیشتر شود. هر چند اسرائیل نسبت به پراکنده کردن بیش از حد نیروهای خود و از دست دادن حمایت بین‌المللی باقی‌مانده خود محتاط است، اما از نظر کابینه نتانیاها، خطری که ایران و متحدانش می‌توانند برای اسرائیل ایجاد کرده و از موقعیت شکننده اسرائیل به نفع خود استفاده کنند نیز به همان اندازه تهدیدکننده است. در واقع اسرائیل در یک معادله دووجهی قرار گرفته که مجبور است برای حل آن دست به هزینه و فایده بزند و واقعیت این است که در هیچ کدام از دو سر این معادله، گزینه‌های لزوماً خوب و بی‌خطری در اختیار اسرائیل نیست. حزب‌الله امیدوار است با انتشار ویدئوی پهپاد جاسوسی خود به اسرائیل یادآوری کند که چه توانایی‌هایی دارد و در نتیجه مانع از این شود که اسرائیل دست به حمله بزرگتری به لبنان بزند. انتشار این فیلم هر چند می‌تواند باردارنده باشد، اما در عین حال ممکن

است ادراک تهدید در اسرائیل را از سطح معینی بالاتر برده و اسرائیل را وادار به واکنش کند. آخرین جنگ بزرگ بین اسرائیل و حزب‌الله در تابستان سال ۲۰۰۶ رخ داد. این جنگ تنها پس از ۲۳ روز بایک تفاهم آتش‌بس پایان یافت. وضعیت استراتژیک از آن زمان به‌طور قابل توجهی تغییر کرده است. سوریه تا زمان قیام بهار عربی در سال ۲۰۱۱، مهمترین قدرت خارجی غالب در لبنان بود. اما اعتراضات بهار عربی در سوریه به سرعت تبدیل به یک جنگ تمام‌عیار داخلی شد. دولت اسد به‌طور سنتی همواره بر خصامات اسرائیل و حزب‌الله سرپوش می‌گذاشت اما پس از بهار عربی و در میانه شورش‌های سنی‌ها در سوریه، اسد دیگر توان این اقدام را نداشت. تا دسامبر سال ۲۰۱۶، دیگر قطعی شده بود که حکومت اسد توانسته جنگ داخلی را در سوریه از سر گذارنده و به سلامت از آن عبور کند اما بخش وسیعی از سوریه در شرق این کشور همچنان در اختیار جدایی طلبان گُرد و نیروهای داعش بود. دولت سوریه که به شدت به حمایت حزب‌الله لبنان و نیروهای ایران متکی بود، با کمک بیش از ۱۰۰ هزار مبارز شیعه توانست شورش سنی‌ها در سوریه را شکست بدهد. البته روسیه نیز کمک‌های قابل توجهی به سوریه ارائه کرد اما از سال ۲۰۲۲ و از زمان تهاجم تمام‌عیار روسیه به اوکراین، مسکو دیگر قادر نبوده است مانند

نکته کارشناس

## احمق نباشید! واشنگتن به دنبال دو کشوری نیست

تنها هدف آمریکا از مطرح کردن راه‌کار دوکشوری تثبیت نفوذ خود در منطقه است

## رویکرد ایالات متحده

برای چندین دهه، ایالات متحده بر خاورمیانه تسلط داشته است. یکی از نکات کلیدی قدرت ایالات متحده، شبکه ائتلاف‌ها و مشارکت‌های تحت رهبری ایالات متحده بوده است که شامل اسرائیل و کشورهای عربی می‌شود. این شبکه ایالات متحده را قادر می‌سازد تا ده‌ها هزار سرباز را در سراسر خاورمیانه مستقر کند و به‌سرعت نیروهای بیشتری را به منطقه اعزام کند. لوید آستین، وزیر دفاع در سال ۲۰۲۱ با اشاره به شبکه تحت رهبری ایالات متحده توضیح داد: «این یک‌میت استراتژیک گسترده است: مزیتی بی‌همتا، بی‌نظیر و بی‌رقیب است.» اگرچه مقامات آمریکایی به قدرت خود می‌بالند، اما رویکرد آنها منبع اصلی بی‌ثباتی بوده است، به‌ویژه در رابطه با روابط بین اسرائیل و کشورهای عربی. از زمان تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و نکیه برای فلسطینیان، بسیاری از کشورهای عربی از به رسمیت شناختن اسرائیل خودداری کرده‌اند. اسرائیل و کشورهای عربی چندین جنگ داشته‌اند. جامعه بین‌المللی از راه‌حل دوکشوری حمایت می‌کند که در کنار دولت اسرائیل، کشور فلسطین را ایجاد کند، اما ایالات متحده عملاً با آن مخالفت کرده است،

FPFIF  
FOREIGN POLICY IN FOCUS

ادوارد هانت

کارشناس مطالعات آمریکا

**ترجمه: آریا صدیقی /** در حالی که اسرائیل به محاصره نظامی خود در غزه ادامه می‌دهد، ایالات متحده در تلاش است تا از این وضعیت با هدف تقویت قدرت ایالات متحده در خاورمیانه سوءاستفاده کند. ایالات متحده به‌جای جست‌وجوی راه‌حلی بلندمدت برای مناقشه اسرائیل و فلسطین، هدف‌دیرینه خود برای عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و عربستان سعودی را در اولویت قرار داده است. چنین توافقی، به برقراری آرامش در غزه و وارد کردن عربستان سعودی نیاز دارد. ایالات متحده عملاً فلسطینی‌ها را بیشتر به حاشیه می‌برد و در عین حال اسرائیل را به‌شدت در شبکه منطقه‌ای ائتلاف‌ها و مشارکت‌ها ادغام می‌کند. آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا ماه گذشته به کنگره گفت: «من فکر می‌کنم ما در نقطه‌ای هستیم که توافقی‌های لازم بین ایالات متحده و عربستان سعودی به‌خوبی در دسترس است.»

حتی در حالی که به‌طور شفاهی از آن حمایت می‌کند. ایالات متحده با تمرکز بر حفظ شبکه منطقه‌ای خود، معاملات دوجانبه را با کشورهای عربی که مایل به برقراری روابط صلح‌آمیز با اسرائیل هستند، دنبال کرده است. تا پایان قرن بیستم، ایالات متحده نقشی محوری در میانجیگری عادی‌سازی روابط اسرائیل با مصر و اردن ایفا کرده بود. هر دو کشور اکنون کمک‌های اقتصادی و نظامی گسترده‌ای دریافت می‌کنند.

اکثر کشورهای عربی چنین قراردادهایی را رد کردند و اصرار داشتند که ابتدا باید راه‌حلی برای مناقشه اسرائیل و فلسطین وجود داشته باشد، اما برخی از آنها در دوران دولت ترامپ موضع خود را تغییر دادند. براساس توافق ابراهیم، چندین کشور عربی دیگر متعهد شدند که روابط خود را با اسرائیل عادی کنند. آنها با اسرائیل قراردادهایی منعقد کردند که در قالب قراردادهای ویژه با ایالات متحده تسهیل شده بودند. مقامات ایالات متحده تقریباً در مورد استقبال از توافق ابراهیم به‌عنوان یک دستاورد بزرگ اتفاق نظر داشتند، اما منتقدان خاطرنشان کرده‌اند که این توافقنامه فلسطینی‌ها را مستثنی می‌کند. جان ففر در نشریه فارین پالیسی هشدار داده است که به حاشیه راندن فلسطینی‌ها عاف‌لانه نخواهد بود، به‌ویژه اگر علاقه واقعی برای پایان دادن به «برادرکشی» وجود داشته باشد که برای اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها بسیار مخرب بوده است.

مقامات واشنگتن از این انتقادات آگاه هستند. سناتور کریس واهلن از حزب دموکرات ماه گذشته اذعان کرد: «در برخی از محافل سیاست خارجی مُد شده است که باور کنند... می‌توانید به‌نوعی با نادیده گرفتن